

مقدمه

بی‌شک شناخت منابع در هر دانشی، اهمیت ویژه‌ای در برداشتهای علمی آن دانش دارد. منابع علوم انسانی و علوم اسلامی همچون ابزارهای کار هستند که بدون آنها دستیابی به مقصود آن علم میسر نیست. کسانی که در حوزه این علوم نتوانند از منابع آن استفاده کنند تنها می‌توانند مقلدانه و نابخردانه از آموزه‌های آنها استفاده و آنها را نقل کنند.

از آنجا که منابع این رشته دانشها غالباً مکتوب است نباید منبع‌شناسی آنها با کتاب‌شناسی اشتباه گرفته شود. شناخت مبانی به کار گرفته شده در هر مصدر علمی و شیوه‌ها و ظرایف استفاده از اطلاعات هر منبع ضرورتی اساسی است که اهمیت موضوع را چند برابر می‌کند. قطعاً حفظ نام کتابها و نام مؤلفان، اگرچه ضروری است اما کافی نیست. باید دانش‌پژوه بتواند اطلاعات مورد نیاز خود را از متون منابع و مصادر دریابد و استفاده کند.

علوم حدیث همگی چون بر پایه نقلیات و گفتار تاریخی استوارند، به طور دائم نیاز به استناد و دریافتهای موشکافانه از اسناد در آنها احساس می‌شود. از این میان علم رجال یا دانش راوی‌شناسی بیش از برخی دیگر از علوم حدیث با این امر دست به گریبان است؛ زیرا برخلاف متون روایی، اصول و ضوابط کلی و ثابتی برای سنجش ندارد. چه آنکه در متون روایی با عرضه روایات بر قرآن و بر روایات دیگر و اصول ضروری دین هم می‌توان به صحت و سقم کلی آنها در مواردی دست یافت. لکن در مورد راویان - از آنجا که بشرند و تحول‌پذیر - اصول ثابت برای شناخت آنها در همه عصرها وجود ندارد. بلکه شناخت ما تنها بر پایه اسناد علمی به جای مانده از عصر آن راویان یا زمان نزدیک به عصر آنهاست.

بر این اساس شناخت منابع اطلاعاتی که راویان را به ما می‌شناسانند در واقع شناخت اسناد و مدارک علمی است که باید تجزیه و تحلیل شود. حب و بغضها، غرض‌ورزیها و برداشتهای شخصی در این تجزیه و تحلیلها باید از واقعیات جدا شود و بالأخره شناختی علمی و دقیق از هویت راوی و از میزان اعتماد بر او برای ما حاصل شود. با توجه به این ضرورتها و اهداف، درس آشنایی با کتب رجال شیعه پایه‌ریزی شد و اینک متن درسی آن، در اختیار دانش‌پژوهان عزیز قرار می‌گیرد. در این کتاب مباحث به صورت موضوعی تقسیم‌بندی شده‌اند. هر منبع رجالی مهم یک گفتار را به خود اختصاص داده است. قطعاً میزان تدریس هر مقدار از این گفتارها، در هر جلسه باید به تناسب زمان و شرایط هر کلاس با تشخیص استاد مربوط صورت گیرد و الزاماً تنظیم دروس نباید با تعداد گفتارها سنجیده شود؛ برای مثال گفتار مربوط به رجال برقی تنها بخشی از یک جلسه درس را به خود اختصاص می‌دهد و در برابر تدریس گفتار مربوط به رجال ابن غضائری یا رجال کشی احتمالاً بیش از یک جلسه نیاز دارد.

نکته دیگری که باید مورد توجه اساتید و دانش‌پژوهان محترم قرار گیرد آنکه در هر درس اطلاعاتی برای مطالعه بیشتر آمده که تدریس و توضیح بیشتر آنها در اختیار استاد محترم است.

مطلب نهایی آنکه نقادی منابع رجالی و بررسی تطبیقی آنها خود امری ضروری است که نیازمند تحقیقها و رساله‌های علمی تخصصی است. از آنجا که این‌گونه مباحث در مقاطع تحصیلات تکمیلی

رشته‌های علوم حدیث باید طرح شود، ما در این کتاب از نقد و مقایسه منابع رجالی صرف نظر کرده‌ایم. اگرچه گاه به اشاراتی بسنده کرده‌ایم.

اینجانب بر خود لازم می‌دانم که از زحمات و پیگیری‌های معاونت پژوهشی دانشکده علوم حدیث جناب حجة الاسلام سید حمید حسینی و نیز از ارشادات دوست فرزانه‌ام جناب حجة الاسلام و المسلمین سید محمد کاظم طباطبایی و اظهار نظر سرکار خانم دکتر شادی نفیسی تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از سرکار خانم مهدیه دهقانی قنات‌غستانی که زحمت مراجعه و آماده‌سازی محتوای کتاب را برای نشر بر خود هموار ساختند کمال امتنان و تشکر را دارم.

محمد کاظم رحمان‌ستایش

تابستان 1385

درآمد

الف) ضرورت آشنایی با کتب رجالی

گفتار و کردار و حتی سکوت معصومین در برابر عملکرد دینی مؤمنان از صدر اسلام تاکنون، علاوه بر مقدس و جذاب بودن به‌عنوان منبع معرفت دینی شناخته شده است. سنت به دلیل اعتبار داشتن، از یک سو مبنای استخراج مسائل فقهی قرار گرفت و از سوی دیگر نقش الگودهی و ارائه شیوه درست زندگی فردی و اجتماعی را بازی کرد. آنچه از سیره و شیوه زندگی معصومین (علیهم‌السلام) باقی ماند در قالب حدیث انعکاس یافت و حدیث بعد از عصر حضور معصوم (علیه‌السلام) تنها منبع و مرجع مقبول برای دستیابی به سخنان و نظر معصومین (علیهم‌السلام) شد.

اما با گذر زمان راهیابی احادیث نادرست و مجعول در اثر گسترش تدریجی دو پدیده خطا و وضع به مجموعه منقولات و ذخایر حدیثی، عرصه استفاده مطلق و بی‌دغدغه از حدیث را تنگ ساخت و محدثین را بر آن داشت که راهیابی برای دستیابی به احادیث صحیح جستجو کنند.

در این میان سندخواهی و پرسش از روایان حدیث، بر اساس اعتبار عقلایی اخبار، شایع‌ترین راه برای پی‌بردن به صحت صدور حدیث گشت به گونه‌ای که حدیث را جز با بیان سلسله روایان از کسی نمی‌پذیرفتند و سلسله سند را مانند جزئی از حدیث می‌دیدند. به دنبال این توجه و ارزش‌نهی به سند بود که ضرورت شناخت تک‌تک روایان اوج گرفت و مورد توجه و اهتمام واقع شد و در گذر زمان با توجه به مقتضیات آن زمان شکل‌های گوناگونی به خود گرفت.

در عصر اصحاب ائمه (علیهم‌السلام) این شناخت با آشنایی بی‌واسطه و با واسطه با راوی پدید می‌آمد و بر اساس این آشنایی است که برخی روایان راوی دیگر را توثیق یا تضعیف کرده‌اند. این‌گونه شناخت را می‌توان شناخت واقعی و حقیقی راوی نامید. پس از این دوره در دوره‌ای نه چندان طولانی که دیگر شناخت

بسیاری از راویان بدون واسطه امکان نداشت شهادتها و بینه‌ها بودند که به معرفی راویان پرداختند و شناخت ظاهری را نسبت به اشخاص سبب شدند تا آنکه در قرن چهارم و پنجم، تمامی اطلاعات رجالی موجود در آن عصر در کتابهایی گرد آمد و از آن پس تنها راه شناخت این راویان، به مراجعه به منابع مکتوب و استفاده از اطلاعات رجالی موجود در آنها منحصر گشت.

بر این اساس نوعی شناخت علمی از راویان امکان‌پذیر شد که از کنار هم گذاشتن اسناد علمی، نقل قولهای مختلف، گردآوری اطلاعات گوناگون و تحلیل آنها حاصل می‌شد.

در عصر حاضر نیز از آنجا که مرسوم‌ترین طریق شناخت راویان حدیث شیوه شناخت راویان از طریق کتب و منابع مکتوب است لذا شناخت منابع رجالی، شیوه نگارش و اطلاعات موجود در هر یک از آنها نقش ابزاری مهمی در بازشناسی راویان دارد و یک محدث برای داوری در مورد وضعیت یک حدیث چاره‌ای جز آشنایی با این کتب و مراجعه و استفاده از آنها ندارد. با این توضیح روشن شد که آشنایی با کتب رجال شیعه تنها یک بحث کتاب‌شناسی نیست بلکه در واقع آشنایی با منابع و اسناد علمی و شیوه‌های استفاده از آنها را دربر دارد.

ب) رابطه علم رجال و کتب رجالی

نسبت علم راوی‌شناسی از یک سو و کتب رجالی از سوی دیگر شبیه نسبت بین زبانهای مختلف و ادبیات خاص آنهاست. بدین معنی که ابتدا سخنان شفاهی و مکتوب راوی‌شناسان وجود داشت و بر پایه آن، علم رجال صورت وجود به خود گرفت. گفته‌های شفاهی رجالیون و به دنبال آن پیدایش کتب رجالی و نیز پیدایش و استفاده از کتبی که هرچند با هدف راوی‌شناسی نگاشته نشده بودند ولی بهره رجالی داشتند و در راوی‌شناسی مورد استفاده قرار گرفتند خمیرمایه و اساس پیدایش علم رجال را فراهم ساختند. لذا برای آشنایی با منابع رجالی و شناسایی وظایف آنها، باید محدوده دانش رجال بررسی شود.

در مقام معرفی علم رجال تعریفهایی ارائه شده از آن جمله:

إِنَّهُ الْعِلْمُ بِأَحْوَالِ رِوَاةِ الْخَبْرِ الْوَاحِدِ ذَاتًا وَوَصْفًا، مَدْحًا وَقَدْحًا وَ مَا فِي حَكْمِهِمَا (رجال را علمی دانسته‌اند که احوال راویان خبر واحد را می‌شناساند، هم شخص و هم وصف ایشان را، از نظر مدح یا ذم و آنچه در حکم مدح و ذم است).

بدین ترتیب دو وظیفه مهم بر عهده دانش رجال گذارده شده است:

اول، شناساندن راوی تا جایی که بتوان وی را از دیگر همنامانش تمییز داد و شخص وی را شناخت.

دوم، تعیین اعتبار یا عدم اعتبار روایات وی و میزان اعتبار آنها.

در عمل نیز کلیه مباحث علم رجال در حوزه انجام این دو وظیفه مهم یا یکی از آنهاست.

انجام این دو وظیفه توسط علم رجال ارتباطی تنگاتنگ و نزدیک با کتب رجالی دارد، زیرا کتب رجالی مستندات نظریات و مباحث علم رجال را فراهم می‌آورند و غالباً بر اساس مطالب موجود در آنهاست که عالم رجالی نظریه می‌دهد و به مناقشه و بحث می‌پردازد.

به عبارت دیگر علم رجال برای انجام دو وظیفه اصلی خود کاملاً نیازمند کتب رجال و راوی‌شناسی است

و از سوی دیگر تنها وظیفه کتب رجالی نیز فراهم آوردن اطلاعات مفید و مورد استفاده در علم رجال است.

برای مثال ارائه اطلاعاتی در مورد ظاهر و شکل راوی در علم رجال مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و علم رجال از چنین اطلاعاتی بی‌نیاز است؛ لذا اهتمام کتب رجال بیان این دست اطلاعات نیست در حالی که ارائه اطلاعاتی چون وثاقت و عدم وثاقت راوی، مشایخ و اساتید حدیثی وی که در علم رجال مفید و مهم است در کتب رجالی بارز و مشخص است. و از این‌روست که هرچه دامنه اطلاعات مفید موجود در کتب رجالی بیشتر باشد علم رجال پربارتر و پویاتر خواهد بود.

ج) انواع نگاه‌های رجالی

رجالیون از ابتدای تألیف در این موضوع، برای تعیین و شناخت راویان و نیز بیان میزان اعتبار هر یک به شیوه‌های مختلفی به تألیف پرداختند. مشهورترین این شیوه‌ها عبارت‌اند از:

1. تألیف بر اساس نام راویان

در این شیوه، کتاب رجالی همچون کتاب لغت ترتیب می‌یابد و نامها به ترتیب حروف اول و دوم و سوم و گاه تا آخر حروف هر نام تنظیم می‌شوند و گاه این ترتیب در نام پدر و جد و نسب هم رعایت شده است. پس از بخش نامها، در فصلهای جداگانه کنیه‌هایی که با «اب» و سپس «ابن» شناخته شده‌اند و پس از آن لقبها و سپس زنان راوی معرفی شده‌اند. این ترتیب به صورت غالب در جوامع رجالی دیده می‌شود.

لکن گاه برخی مؤلفان به شیوه‌های خاص دیگری اعمال سلیقه کرده و تنظیم و ترتیب فوق را کمی تغییر داده‌اند؛ مثلاً نام «أحمد» را بر دیگر نامهایی که با همزه شروع شده‌اند به احترام نام پیامبر، مقدم داشته‌اند، و پس از آن «ابراهیم» و دیگر نامها را ذکر کرده‌اند. یا آنکه برخی از ایشان، لقبها و نام زنان را در بین دیگر نامها به ترتیب الفبایی آورده‌اند و آنها را جدا نکرده‌اند.

کتابهای *منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال* تألیف میرزا محمد استرآبادی و *نقد الرجال* تألیف سید مصطفی تفرشی از نمونه‌های روشن این‌گونه تألیف است.

مؤلفین کتب هنگام استفاده از شیوه‌های دیگر نگارش که به آنها اشاره خواهیم کرد غالباً در چینش اسامی روات از نظم الفبایی سود جستند؛ برای مثال مرحوم نجاشی در کتاب رجالی‌اش و شیخ طوسی در فهرستش به این شیوه عمل کرده‌اند و لکن احياناً تفاوتی در ترتیب و تنظیم نامها دارند و نظم کامل در تمامی حروف نامها را رعایت نکرده‌اند.

2. تألیف بر اساس طبقات

مراد از طبقه، اشخاصی هستند که در سن نزدیک به یکدیگر باشند و در اساتید هم مشترک باشند. مؤلفان رجال شیعه در ابتدای تألیف در علم رجال، از این شیوه در ترتیب و تنظیم کتب رجالی استفاده می‌کرده‌اند، در این شیوه تألیف، راویان هر امام در فصلی جداگانه معرفی می‌شوند و البته گاه در هر باب، ترتیب نامها بر اساس حروف الفبای آنها بوده است. کتابهای *رجال برقی*، *رجال شیخ طوسی* و *اصل رجال کشی* - ظاهراً - بر این اساس تألیف شده‌اند. در این شیوه راویان از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در یک باب، و راویان از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در باب بعد و همچنین راویان از دیگر امامان هر یک در باب مربوط به اصحاب آن

امام قرار می‌گیرند و بالأخره نام کسانی که از هیچ‌یک از امامان روایت نکرده‌اند در بایی خاص قرار می‌گیرد. البته کتابهایی که بر اساس طبقات در قرون متأخر نوشته شده، تنظیم طبقات پس از عصر ائمه و تا زمان مؤلفین این نوع کتابها ادامه یافته است.

3. تألیف بر اساس جرح و تعدیل

بر اساس این شیوه، نام کسانی که حدیث ایشان قابل اعتماد است در یک فهرست، و نام کسانی که حدیث ایشان برای مؤلف قابل اعتماد نیست در فهرست دیگری تنظیم می‌شود. مجموع کتاب در دو بخش کلی: اول، کسانی که روایت آنان قابل اعتماد است و دوم، کسانی که روایت آنان قابل اعتماد نیست، تنظیم می‌شود. این شیوه را علامه حلی در خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال و ابن داود حلی در کتاب الرجال خودش به کار گرفته است.

این‌گونه تألیف را باید دشوارترین روش تألیف رجالی برشمرد؛ چه آنکه مؤلف باید آراء رجالی خویش را پس از تحقیق و تفحص و تعیین موارد تعارض آراء در جرح و تعدیل، و انتخاب رأی خویش، در کتاب ثبت نماید. در این شیوه نیز نامهای موجود در هر بخش بر اساس حروف الفبا تنظیم می‌شود.

4. تألیف بر اساس فهرست‌نگاری

در این شیوه، نام مؤلفان مبنای نوشتن کتاب قرار می‌گیرد و مؤلف در این نگارشها به دنبال فهرست کردن نام صاحبان کتابهاست. در نگارش کتاب فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی این شیوه دنبال شده است و در مرتبه بعد و در چینش اسامی روات، نظم الفبایی رعایت شده است.

این چهار نمونه شیوه تألیف رجالی، مشهورترین این‌گونه تألیفات است؛ اما شیوه‌های دیگری نیز در تألیفات رجالی وجود دارد، از جمله: مشیخه، تجرید الاسانید، فواید و تراجم بیوتات و خاندانها و ضبط اسامی مشتبه.

اما در دوره‌های متأخر تألیفات رجالی دیگری دیده می‌شود که آنها هم از مجموعه کتابهای رجالی به حساب می‌آیند، ولی شیوه‌های خاص خود را دارند. آنچه در تمامی این تألیفات مشترک است بیان قواعد و فواید کلی رجالی و ضوابط رجالی است.

5. کتب رجالی تحقیقی

در انواع گذشته غالباً محتوای عمده کتابها نام روات و معرفی تک‌تک آنها بود، اما اهتمام برخی از تألیفات رجالی به ذکر نام تک‌تک روات و تعیین حال آنها نیست بلکه نکات و مباحث رجالی که حاصل تحقیق و بررسی است مطرح می‌شود. ما از این کتابها با عنوان کتب رجالی تحقیقی یاد می‌کنیم. این‌گونه کتابها خود به شیوه‌های زیر تألیف شده است:

1. **فواید‌نگاری.** گاه رجالیون در حین بررسی روات به نکاتی دست می‌یابند، برای مثال به منظور از کنیه ابوجعفر که در بسیاری از اسناد کافی آمده است یا مراد از فلان‌نام یا فلان‌کنیه که در سند ذکر شده است دست می‌یابند و این نکات را در کتبی متذکر می‌شوند. به این ترتیب کتبی مشتمل بر فهرستی از فواید

رجالی فراهم آمده است که غالباً این نکات در چینش و ترتیب تابع نظم خاصی نیست. از این دسته که در واقع بر پایه تحقیقات مؤلف در مباحث رجالی نگاشته شده می‌توان به کتاب فواید وحید بهبهانی و جامع‌المقال طریحی اشاره کرد.

2. قواعد رجالی. در دسته دیگر از کتب تحقیقی در حوزه رجال که در سده اخیر نگاشته شده قواعد رجالی گرد آمده است. قواعد رجالی در واقع همان فواید رجالی یا نکته‌هایی کلی و عمومی است که حکم قاعده و قانون را یافته است. عالم رجالی با بررسی‌های نظری و عملی رجالی به این قواعد کلی دست یافته است؛ از جمله این کتب می‌توان به کتاب توضیح‌المقال ملا علی کنی، و کلیات فی علم رجال آیت‌الله سبحانی اشاره کرد.

3. تک‌نگاری. دسته سوم کتب تحقیقی رجال، کتبی است که تک‌نگاری در مباحث رجالی محسوب می‌شود؛ برای مثال کتاب هدایه‌المحدثین الی طریقه‌المحمدین تألیف ملا محمدامین کاظمی که به تمییز راویانی که همنام هستند و به اصطلاح مبحث مشترکات پرداخته است یا کتاب الرسائل الرجالیه ابوالمعالی کلباسی که رساله‌های مستقلی در بعضی از اصطلاحات رجالی و در برخی راویان محل بحث و نزاع است.

جمع‌بندی. در مبحث فوق به اجمال به معرفی انواع نگاشته‌های رجالی و شیوه تألیف آنها پرداختیم و روشن شد هر کدام از این شیوه‌ها در یک نوع از اطلاعات رجالی کارآمدتر و دقیق‌تر است. اگرچه تا حدی انواع اطلاعات را می‌توان در هر یک از آنها یافت، اما فلسفه وجودی هر یک از آنها نکته‌ای است که باید مدنظر مراجعان قرار گیرد؛ مثلاً وقتی به کتابهای طبقات مراجعه می‌شود مراجعه‌کننده به دنبال این است که مقطع زمانی زندگی راوی را مشخص کند، اما وقتی به کتاب فهرست مراجعه می‌شود تألیفات و نوشته‌های او مورد نظر است و وقتی به کتاب جرح و تعدیل مراجعه می‌شود توثیق و تضعیف مورد نظر است. وقتی به کتب قواعد رجالی مراجعه می‌شود دیگر بحث شخص نیست، بلکه بحث قانونهاست.

در نتیجه با توجه به شیوه‌های نگارش، نوع اطلاعات از نگاه مؤلف کتاب مهم است و روشن می‌شود در مراجعه به آن در درجه اول باید به دنبال چه نوع اطلاعاتی باشیم. لذا باید به این نکته در تمام منابع رجالی که مورد بحث است توجه شود و فلسفه وجودی هر کتاب و روش متناسب با آن مشخص شود.

د) تاریخچه تألیفات رجالی شیعه

اولین تألیف رجالی شیعه را شیخ آقا بزرگ تهرانی، کتاب تسمیه من شهد مع امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) الجمل و صفین و النهروان من الصحابه (رضی الله تعالی عنهم) دانسته است.¹ این کتاب تنها مجموعه‌ای از نامهای اصحاب امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در جنگهای مهم ایشان است، و توسط کاتب و متصدی بیت‌المال آن حضرت، عبیدالله بن ابی رافع تألیف شده است.

توجه به این نکته لازم است که محقق تهرانی و برخی دیگر از عالمان کتاب‌شناس، دانش رجال و تراجم² را در هم آمیخته‌اند، و از این رو کتاب فوق را که نوعی کتاب تراجم و شرح حال محسوب می‌شود از جمله

۱. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج 10، ص 83؛ مصنفی‌المقال فی مصنفی علم الرجال، ص 358.

۲. یکی از معانی ترجمه، شرح حال است و دانش شرح حال‌نگاری را تراجم گفته‌اند. در تراجم‌نگاری هر گونه شخصیتی معرفی می‌شود و حیثیت راوی بودن فقط منظور نظر نیست. همچنان که اطلاعات ترجمه‌ها هم غالباً بیش از مقصود رجالیون است. بنابراین منابع رجال و تراجم نوعی تعامل با یکدیگر دارند، اما نباید آنها را با یکدیگر در هم آمیخت.

کتابهای رجالی، بلکه اولین آنها دانسته‌اند. لکن با توجه به تعریف ارائه شده از دانش رجال نمی‌توان این کتاب را به صورت مستقیم یک تألیف رجالی کامل دانست، اما از آنجا که این کتاب در تعیین طبقه راویان می‌تواند به عالم رجالی کمک کند لذا بی‌ارتباط با رجال نیست، چنان‌که بسیاری از کتابهای تراجم هم، چنین است.

گذشته از تاریخچه فوق باید گفت، در فاصله زمانی پنج قرن نخست، کتابهای رجالی نگاشته شده در قرن چهارم بیشترین شمار را به خود اختصاص داده‌اند و از مجموعه کتابهای تألیف شده تا قرن ششم تنها چند عنوان از آنها عیناً به دست ما رسیده و یا به شیوه‌هایی بازسازی شده است، عناوین این کتابها عبارت‌اند از:

1. رجال برقی، تألیف احمد بن محمد بن خالد برقی (م 274 یا 280 هـ).
2. کتاب الرجال، تألیف ابن عقده (249-333 هـ) که تماماً در بخش اصحاب الصادق (علیه‌السلام) از رجال الطوسی آمده است.
3. تکملة رسالة ابی غالب زراری، تألیف حسین بن عبیدالله غضائری (م 411 هـ).
4. کتاب الرجال، تألیف احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری (نیمه اول قرن پنجم) که منقولات وی در برخی منابع گرد آمده است.
5. اختیار معرفة الرجال، که توسط شیخ طوسی (م 460) انجام شده است.

در قسمت «برای مطالعه بیشتر» سیاهه‌ای از کتابهای رجالی تألیف شده تا نیمه اول قرن پنجم هجری به ترتیب تاریخی آمده است. ما کتب رجالی را در قالب چهار دسته بررسی می‌کنیم: دسته‌ای از عصر راویان حدیث و عصر نزدیک به آنها در قرنهای 3 و 4 و 5 هجری، به دست ما رسیده‌اند که به سبب نزدیکی زمانی به عصر راویان، و اطلاعات جامع و دقیق موجود در آنها، آنها را اصل و منبع بحث رجالی قرار داده‌اند و به دلیل قدمت و اصالت این کتابها، آنها را اصول اولیه برشمرده‌اند. اصول اولیه، چهار کتاب مورد اتفاق و اعتماد اصحاب قرار گرفته است که عبارت‌اند از:

1. رجال کشی
 2. کتاب الرجال، تألیف شیخ طوسی
 3. الفهرست، تألیف شیخ طوسی
 4. رجال النجاشی
- و دو منبع دیگر نیز از این دست وجود دارد که از جهاتی مورد اختلاف عالمان رجالی قرار گرفته عبارت‌اند از:

5. رجال البرقی
 6. رجال ابن غضائری
- از این‌رو، برخی اصول اولیه را چهار کتاب، و برخی آنها را شش کتاب می‌دانند. دسته‌ای دیگر بر پایه کتب قبلی یعنی اصول اولیه نگاشته شده و اصول ثانویه نامیده می‌شود. این کتب عبارت‌اند از: رجال ابن داود و خلاصة الأفعال علامه حلی.

دسته سوم کتب رجالی جوامع رجالی است که اطلاعات رجالی در آنها گرد آمده است، از جمله این

کتب معجم رجال الحدیث خوبی است. و دسته چهارم کتب تحقیقی رجال است، حاوی اطلاعات رجالی که از تحقیقات و بررسیهای رجالی حاصل شده است. کتاب الرسائل الرجالیه کلباسی از این دسته کتب است. این چهار دسته کتاب رجالی را به ترتیب در چهار فصل بررسی خواهیم کرد. در درسهای آینده به شرح و بسط منابع مهم رجالی به ترتیب تاریخی می‌پردازیم:

برای مطالعه بیشتر

در فهرستهای مهم تألیفات شیعه، کتابهای رجالی تألیف شده تا نیمه اول قرن پنجم هجری به ترتیب تاریخی عبارت‌اند از:

1. کتاب الرجال،¹ تألیف عبدالله بن جبلة کنانی (م 219 هـ).
2. کتاب الرجال،² تألیف حسن بن علی بن فضال (م 224 هـ).
3. کتاب الرجال،³ تألیف حسن بن محبوب (149-224 هـ).
4. المشیخه،⁴ تألیف همو.
5. معرفة رواة الأخبار،⁵ تألیف همو.
6. تسمیه من روی عن امیرالمؤمنین (علیه السلام) من اصحابه،⁶ تألیف یعقوب بن شیبہ (180-264 هـ). وی که سنی‌مذهب بوده این کتاب را در موضوعی رجالی و شیعی تألیف کرده است.
7. ذکر من روی عن جعفر بن محمد من التابعین،⁷ تألیف ابوزرعہ رازی (200-264 هـ).
8. کتاب الرجال،⁸ یا کتاب طبقات الرجال،⁹ تألیف احمد بن محمد بن خالد برقی (م 274 یا 280 هـ) ظاهراً این کتاب جزئی از کتاب المحاسن بزرگ برقی است.
9. کتاب التاریخ،¹⁰ تألیف همو.
10. مناقب الرجال،¹¹ تألیف محمد بن احمد بن یحیی اشعری قمی (م 280 هـ).
11. کتاب تاریخ الرجال،¹² تألیف احمد بن علی بن محمد علوی عقیقی (م 280 هـ).

۱. رجال النجاشی، 1418ق، ص 216، ش 563.

۲. همان، ص 34، ش 72.

۳. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج 10، ص 90.

۴. الفهرست طوسی، ص 122، ش 162.

۵. معالم العلماء، ص 33، ش 182.

۶. الفهرست طوسی، ص 509، ش 810.

۷. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج 10، ص 37.

۸. رجال النجاشی، ص 76، ش 182.

۹. همان؛ الفهرست طوسی، ص 51، ش 65.

۱۰. رجال النجاشی، ص 77، ش 182.

۱۱. الفهرست طوسی، ص 408، ش 623.

۱۲. رجال النجاشی، ص 81، ش 196؛ الفهرست طوسی، ص 184، ش 425.

12. الجرح و التعديل،¹ تأليف عبدالرحمان مروزی (م 283 هـ).
13. معرفة الرجال،² تأليف احمد بن داود جرجانی (زنده قبل از 298 هـ).
14. رجال الشيعة،³ تأليف علي بن حكم نخعی انباری (قرن سوم).
15. من روى الحديث من آل أعين،⁴ تأليف ابو عبدالله بن حجاج (قرن سوم).
16. كتاب الرجال،⁵ تأليف علي بن حسن بن علي بن فضال (206_300؟).
17. معرفة الناقلين،⁶ تأليف نصر بن صباح بلخی (قرن سوم).
18. النوادر عن الرجال،⁷ تأليف جعفر بن عبدالله كاهلی (قرن سوم).
19. الممدوحين و المذمومين،⁸ تأليف محمد بن عبدالله بن مهران (قرن سوم).
20. كتاب المحدثين،⁹ تأليف عيسى بن مهران مستعطف (قرن سوم).
21. كتاب الرجال،¹⁰ تأليف محمد بن عيسى بن عبيد يقطينی (قرن سوم).
22. طبقات الشيعة،¹¹ تأليف سعد بن عبدالله اشعری قمی (م 299 یا 301 هـ).
23. مثالب رواة الحديث،¹² تأليف همو.
24. مناقب رواة الحديث،¹³ تأليف همو.
25. الفهرست،¹⁴ تأليف حميد بن زياد دهقان كوفی (م 310 هـ).
26. كتاب الرجال،¹⁵ تأليف همو.
27. من روى عن ابى عبدالله الصادق (عليه السلام)،¹⁶ تأليف همو.

۱. الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج 10، ص 84 و 125.

۲. همان، ج 21، ص 257.

۳. همان، ج 10، ص 135.

۴. رساله ابی غالب الزراری، ص 127؛ الذريعة، ج 10، ص 108.

۵. رجال النجاشی، ص 257، ش 676؛ الفهرست طوسی، ص 72، ش 392.

۶. رجال النجاشی، ص 428، ش 1149؛ الذريعة، ج 10، ص 156.

۷. همان، ص 126، ش 326؛ الذريعة، ج 11، ص 261.

۸. همان، ص 350، ش 942؛ الذريعة، ج 32، ص 224.

۹. رجال النجاشی، ص 297، ش 807؛ الفهرست طوسی، ص 232، ش 520.

۱۰. رجال النجاشی، ص 333، ش 896.

۱۱. همان، ص 436، ش 1170؛ الذريعة، ج 15، ص 151.

۱۲. رجال النجاشی، ص 177، ش 467؛ الذريعة، ج 19، ص 75.

۱۳. رجال النجاشی.

۱۴. همان، ص 231، ش 615.

۱۵. همان، ص 132، ش 339.

۱۶. همان.

28. رجال ابی زید البلخی،¹ تألیف احمد بن سهل بلخی (322-234 هـ).
29. اخبار النساء الممدوحات،² تألیف محمد بن ابی ثلج (322-238 هـ).
30. کتاب الرجال،³ تألیف محمد بن یعقوب کلینی (م 329 هـ).
31. رجال ابی بکر محمد بن یحیی بن عباس الصولی الشطرنجی،⁴ تألیف محمد بن یحیی صولی شطرنجی (زنده در 330 هـ).
32. من روی عن علی (علیه السلام) من الصحابه،⁵ تألیف عبدالعزیز بن یحیی الجلودی (م 332 هـ).
33. کتاب اخبار المحدثین،⁶ تألیف همو.
34. کتاب التاریخ و ذکر من روی الحدیث،⁷ تألیف احمد بن محمد همدانی کوفی مشهور به ابن عقده (249-333 هـ).
35. کتاب الرجال،⁸ تألیف همو.
36. الشیعه من اصحاب الحدیث،⁹ تألیف همو.
37. من روی عن الحسن (علیه السلام) و الحسین (علیه السلام)،¹⁰ تألیف همو.
38. من روی عن زید بن علی بن الحسین (علیه السلام)،¹¹ تألیف همو.
39. من روی عن علی بن ابی طالب امیر المؤمنین (علیه السلام)،¹² تألیف همو.
40. من روی عن علی بن الحسین (علیه السلام)،¹³ تألیف همو.
41. من روی عن علی (علیه السلام)، أنه قسیم النار و الجنة،¹⁴ تألیف همو.
42. من روی عن فاطمة (علیها السلام) من اولادها،¹⁵ تألیف همو.
43. من روی عن محمد بن علی بن جعفر الباقر (علیه السلام)،¹⁶ تألیف همو.

۱. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج 10، ص 92.

۲. رجال النجاشی، ص 281، ش 1038.

۳. همان، ص 377، ش 1026.

۴. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج 10، ص 148.

۵. رجال النجاشی، ص 240، ش 640؛ الذریعة، ج 22، ص 237.

۶. رجال النجاشی.

۷. همان، ص 94، ش 233؛ الفهرست طوسی، ص 68، ش 86.

۸. الفهرست طوسی.

۹. همان.

۱۰. همان، ص 68، ش 86.

۱۱. همان.

۱۲. همان.

۱۳. همان.

۱۴. همان.

۱۵. الفهرست طوسی، ص 68، ش 86.

۱۶. رجال النجاشی.

44. تسمیة من شهد مع أمير المؤمنين (عليه السلام)،¹ تأليف همو.
45. الفهرست،² تأليف محمد بن حسن بن احمد بن وليد (م 343 هـ).
46. رجال الحسين بن حمدان،³ تأليف حسين بن حمدان خصيبي جنبلاني (م 358 يا 346 هـ).
47. الممدوحين و المذمومين،⁴ تأليف ابو علي احمد بن محمد كوفي (م 346 هـ).
48. الفهرست،⁵ تأليف علي بن حسين مسعودي (م 346 هـ).
49. كتاب في تراجم الرجال،⁶ تأليف علي بن محمد بن زبير قرشي كوفي (245- 348 هـ).
50. كتاب الطبقات،⁷ تأليف احمد بن محمد دؤل قمي (م 350 هـ).
51. الشيعة من اصحاب الحديث و طبقاتهم،⁸ تأليف محمد بن عمر تميمي جعابي (283- 355 هـ).
52. كتاب اخبار بغداد و طبقات اصحاب الحديث بها،⁹ تأليف همو.
53. كتاب طرق من روى عن امير المؤمنين (عليه السلام): أنه بعهد النبي لأُمِّي إلى أنه لا يُحبني لا مؤمن و لا يبغضني إلا المنافق،¹⁰ تأليف همو.
54. من روى حديث غدیرخم،¹¹ تأليف همو.
55. من حدّث هو و أبوه عن النبي (صلى الله عليه وآله)،¹² تأليف همو.
56. من روى الحديث من بنى هاشم و مواليتهم،¹³ تأليف همو.
57. من روى مؤاخاة النبي (صلى الله عليه و آله) لأُمير المؤمنين (عليه السلام)،¹⁴ تأليف همو.
58. الموالى الأشراف و طبقاتهم،¹⁵ تأليف همو.
59. كتاب طرق حديث: أنت منى بمنزلة هارون من موسى،¹⁶ تأليف عبيد الله بن أبى زيد انباري (م 356 هـ).
60. كتاب طريق حديث الراية،¹⁷ تأليف همو.

١. همان.

٢. رجال النجاشي، ص 68، ش 86.

٣. الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج 10، ص 112.

٤. رجال النجاشي، ص 95، ش 236.

٥. همان، ص 254، ش 665.

٦. رجال الطوسي، ص 430، ش 6179.

٧. رجال النجاشي، ص 89، ش 223.

٨. همان، ص 394، ش 1055.

٩. همان.

١٠. همان.

١١. همان.

١٢. مصفى المقال فى مصنفى علم الرجال، ص 420.

١٣. رجال النجاشي، ص 396، ش 1055.

١٤. همان.

١٥. همان؛ الفهرست، ص 424، ش 656.

١٦. رجال النجاشي، ص 232، ش 617.

١٧. همان.

61. کتاب طریق حدیث الطیر،¹ تألیف همو.
62. کتاب طرق، قسیم النار،² تألیف همو.
63. خصال الکمال و بعض ما روی فی مناقب الرجال،³ تألیف مظفر بن محمد بن احمد بلخی خراسانی (م 367 هـ).
64. الممدوحین و المذمومین،⁴ تألیف محمد بن احمد بن داود قمی (م 368 هـ).
65. رساله ابی غالب الزراری،⁵ تألیف ابو غالب احمد بن محمد بن محمد زراری (285-368 هـ).
66. رجال ابن قولویه،⁶ تألیف جعفر بن محمد بن قولویه (م 369 هـ).
67. الرجال،⁷ تألیف محمد بن عمران مرزبانی (297-378 هـ).
68. ذکر من لقیه من اصحاب الحدیث و عن کل واحد منهم حدیث،⁸ تألیف ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (م 381 هـ).
69. الرجال المختارین من اصحاب النبی (صلی الله علیه و آله)،⁹ تألیف همو.
70. الفهرست،¹⁰ تألیف همو.
71. المصابیح،¹¹ تألیف همو.
72. المعرفة برجال البرقی،¹² تألیف همو.
73. المشیخة،¹³ تألیف همو.
74. التاریخ،¹⁴ تألیف همو.
75. من روی عن جعفر بن محمد (صلی الله علیه و آله) من الرجال،¹⁵ تألیف حمزه بن قاسم علوی عباسی (م 385 هـ).
76. الرجال،¹⁶ تألیف ابو المفضل محمد بن عبدالله شیبانی (م 387 هـ).

۱. همان.

۲. همان.

۳. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج 7، ص 162 و ج 10، ص 151.

۴. رجال النجاشی، ص 384، ش 1045؛ الفهرست طوسی، ص 395، ش 604.

۵. رجال النجاشی، ص 84، ش 201؛ الفهرست طوسی، ص 32، ش 84.

۶. همان، ص 109، ش 141.

۷. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج 10، ص 147.

۸. رجال النجاشی، ص 389، ش 1049.

۹. همان.

۱۰. الفهرست طوسی، ص 201، ش 299-300.

۱۱. رجال النجاشی، ص 389، ش 1069.

۱۲. همان.

۱۳. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج 21، ص 72؛ مراد از این کتاب همان مشیخه من لا یحضره الفقیه است که در پایان آن چاپ شده است.

۱۴. رجال النجاشی، ص 390، ش 1049.

۱۵. همان، ص 140، ش 364.

۱۶. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج 10، ص 94 و 105.

77. من روی حدیث غدیر خم،¹ تألیف همو.
78. من روی عن زید بن علی بن الحسین (علیه السلام)،² تألیف همو.
79. الرواة و الفلاح،³ تألیف احمد بن محمد بن جندی جراح (305 یا 390-390 هـ).
80. کتاب المحدثین،⁴ تألیف عبدالعزیز بن یحیی جلودی (م 397 هـ).
81. رجال ابن برنیة،⁵ تألیف هبة الله بن احمد کاتب (زنده در 400 هـ).
82. الرواة عن اهل البيت (علیه السلام)،⁶ تألیف محمد بن جریر آملی طبری (ق چهارم).
83. الفهرست،⁷ تألیف حسین بن حسن بن بابویه (ق چهارم).
84. الفهرست،⁸ تألیف ابوجعفر محمد بن جعفر بن احمد بن بطه قمی (ق چهارم).
85. المشیخة،⁹ تألیف احمد بن حسین بن عبدالملک ازدی کوفی (ق چهارم).
86. النوادر عن الرجال،¹⁰ تألیف ابان بن محمد بجلي (ق چهارم).
87. من روی من نساء آل ابی طالب،¹¹ تألیف علی بن محمد بن جعفر حداد عسکری (ق چهارم).
88. رجال ابن ریدویه،¹² تألیف همو.
89. الفهرست،¹³ تألیف عبدالله بن جعفر حمیری (ق چهارم).
90. من روی عن امیر المؤمنین (علیه السلام)،¹⁴ تألیف محمد بن وهبان دبیلی (ق چهارم).
91. طرق من روی ردّ الشمس،¹⁵ تألیف احمد بن عبدالله دوری وراق (ق چهارم).
92. کتاب الرجال،¹⁶ تألیف علی بن حسن بن علی بن فضال ربعی فیاض (ق چهارم).
93. طبقات الشیعة،¹⁷ تألیف عبدالعزیز بن اسحاق زیدی بقال (ق چهارم).

۱. رجال النجاشی، ص 296، ش 1059.
۲. همان.
۳. همان، ص 85، ش 206.
۴. همان، ص 240، ش 460.
۵. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج 10، ص 83.
۶. همان، ج 10، ص 143 و ج 11، ص 256.
۷. رجال النجاشی، ص 167، ش 441.
۸. همان، ص 372، ش 1019.
۹. همان، ص 80، ش 193؛ الفهرست طوسی، ص 58، ش 71.
۱۰. رجال النجاشی، ص 94، ش 11.
۱۱. همان، ص 262، ش 686.
۱۲. الذریعة، ج 10، ص 85.
۱۳. رجال النجاشی، ص 294، ش 440.
۱۴. رجال النجاشی، ص 396، ش 1060.
۱۵. همان، ص 85، ش 205.
۱۶. همان، ص 257، ش 676؛ الفهرست طوسی، ص 272، ش 292.
۱۷. الفهرست طوسی، ص 341، ش 537.

94. الرجال¹، تألیف ابواحمد حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی (ق چهارم).
 95. رجال العقیقی،² تألیف علی بن احمد بن محمد عقیقی (ق چهارم).
 96. معرفة الناقلين،³ تألیف محمد بن مسعود عیاشی (ق چهارم).
 97. رجال ابی محمد جبرئیل،⁴ تألیف جبرئیل بن احمد فاریابی (ق چهارم).
 98. الرجال،⁵ تألیف محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی (ق چهارم).
 99. کتاب الرجال،⁶ تألیف محمد بن حسن محاریبی (ق چهارم).
 100. ذکر من روی من طرق اصحاب حدیث أن المهدي (عليه السلام) من ولد الحسين (عليه السلام)،⁷ تألیف ابوعلی احمد بن محمد بن احمد جرجانی (ق چهارم).
 101. کتاب الرجال،⁸ تألیف احمد بن نصر بن سعد (ق چهارم).
 102. فهرست کتب عدوی،⁹ تألیف ابونصر ربان (ق چهارم).
 103. الاشتمال فی معرفة الرجال،¹⁰ تألیف احمد بن محمد جوهری بغدادی (م 401 هـ).
 104. ذکر من روی الحدیث من بنی ناسرة،¹¹ تألیف همو.
 105. تکملة رسالة ابی غالب الزراری،¹² تألیف حسین بن عبیدالله غضائری (م 411 هـ).
 106. فهرست الاصول،¹³ تألیف احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری (نیمه اول قرن پنجم).
 107. فهرست المصنفات،¹⁴ تألیف همو.
 108. کتاب الممدوحین،¹⁵ تألیف همو.
 109. کتاب المذمومین،¹⁶ تألیف همو.
 110. کتاب التاریخ،¹ تألیف همو.

۱. الذریعة الى تصانیف الشیعة، ج 10، ص 107 و 114.

۲. الفهرست طوسی، ص 248، ش 425.

۳. رجال النجاشی، ص 350، ش 944؛ الفهرست طوسی، ص 396، ش 605.

۴. رجال النجاشی، ج 10، ص 103.

۵. رجال النجاشی، ص 372، ش 1018؛ الفهرست طوسی، ص 403، ش 615.

۶. رجال النجاشی، ص 350، ش 943.

۷. همان، ص 86، ش 208.

۸. الذریعة، ج 10، ص 92.

۹. رجال النجاشی، ص 265، ش 89.

۱۰. همان، ص 85، ش 207؛ الفهرست طوسی، ص 78، ش 99.

۱۱. همان.

۱۲. رساله ابی غالب الزراری، ص 99-96.

۱۳. الفهرست طوسی، ص 2.

۱۴. همان.

۱۵. قاموس الرجال، ج 1، ص 442-441.

۱۶. همانجا.

111. الزیادات علی ابن العباس بن سعید فی رجال جعفر بن محمد²، تألیف احمد بن عباس بن نوح سیرافی (م 420 هـ).
112. المصابیح فی ذکر من روی عن الائمة لکل امام³، تألیف همو.
113. الرجال⁴، تألیف احمد بن عبدالواحد بن عبدون بزّاز (م 423 هـ).
114. الفهرست⁵، تألیف همو.
115. الرجال⁶، تألیف علی بن حسین موسوی مشهور به علم الهدی (355 و 436 هـ).
116. الفهرست⁷، تألیف محمد بن علی کراچکی (م 449 هـ)⁸.
- بدین ترتیب تقریباً نام 24 تألیف رجالی از قرن سوم، 79 تألیف از قرن چهارم و 13 تألیف از قرن پنجم به دست ما رسیده است.

سؤالات

1. ضرورت آشنایی با کتب رجال را در چند سطر بنویسید.
2. ضرورت آشنایی و رجوع به کتب از چه زمانی احساس شد؟
3. در چه قرنی، همه اطلاعات رجالی در کتب گردآوری و مدون شد؟
4. دو وظیفه مهم علم رجال چیست و ارتباط آنها با کتب رجالی چگونه است؟

۱. الفهرست طوسی، ص 74، ش 94؛ رجال النجاشی، ص 83، ش 201.

۲. رجال النجاشی، ص 86، ش 209؛ الفهرست طوسی، ص 86، ش 117.

۳. الفهرست طوسی.

۴. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج 10، ص 86.

۵. همان.

۶. همان، ج 10، ص 133.

۷. همان، ج 16، ص 393.

۸. نکته لازم ذکر اینکه: فهرست ارائه شده با استفاده از منابع کتاب‌شناسی استخراج شده و از آنجا که خود کتابها در دسترس نیست، احتمال زیادی و یا نقصان عناوین وجود دارد. بدیهی است که مراجعه به منابع بیشتر و تحقیق در منقولات کتب مختلف می‌تواند این فهرست را تکمیل نماید. پیش از این نیز تلاشهایی در معرفی منابع رجالی انجام پذیرفته که در ذیل برخی از آنها را معرفی می‌کنیم:

1. مصنفی المقال فی مصنفی علم الرجال، تألیف شیخ آقا بزرگ تهرانی.
2. الذریعة الی تصانیف الشیعة، (ج 10، ص 80-161) تألیف شیخ آقا بزرگ تهرانی که بیش از 140 اثر رجالی را معرفی کرده‌اند و برخی نیز با نامهای خاص خود در سایر مجلدات بر اساس حروف الفبایی این کتاب معرفی شده‌اند.
3. مقباس الهدایة، تألیف شیخ عبدالله مامقانی (ج 4، ص 11-94). در این اثر 80 نفر از خبرگان رجال و درایه از قدما و متأخرین را معرفی کرده‌اند.
4. توضیح المقال فی علم الرجال، تألیف ملا علی کنی (ص 286-303) در این اثر 60 نفر از اساتید رجال معرفی شده‌اند و میرزا حسین نوری هم در اثر دیگری 60 نفر دیگر به آنها افزوده است.
5. مأخذشناسی رجال شیعه، تألیف رسول طلائیان که با نظارت نگارنده در مرکز تحقیقات دارالحدیث انجام پذیرفته و در آن بیش از 600 اثر رجالی معرفی شده است.
6. سرمقاله میراث حدیث شیعه، دفتر هفتم، تألیف مهدی مهریزی.

5. چه اطلاعاتی در علم رجال، مفید و مورد استفاده است؟
6. مشهورترین انواع نگاهشته‌های رجالی را نام ببرید و از هر کدام نمونه‌هایی بیاورید.
7. کتب فواید رجالی چگونه کتبی است؟ نمونه‌هایی از این کتب را نام ببرید.
8. هدف اصلی که در کتب مشترکات دنبال می‌شود، چیست؟
9. درباره سیر نگارش فوایدنگاری توضیحاتی بنویسید.
10. منظور از جواهر رجال، کدام کتاب است؟
11. نخستین تألیف رجالی از نظر آقا بزرگ تهرانی، کدام کتاب است و این کتاب، تألیف چه کسی است؟
12. تفاوت کتب رجال و تراجم در چیست؟
13. قدیم‌ترین کتب رجال برجای مانده، مربوط به چه دوره‌ای است؟
14. چند کتاب از قدیم‌ترین کتب موجود رجالی را نام ببرید.
15. اصول اولیه رجال به چه کتبی گفته می‌شود و وجه تسمیه آنها به این نام چیست؟
16. اصول ثانویه رجال به چه کتبی گفته می‌شود؟
17. علت آنکه کتاب تسمیه من شهد مع أمير المؤمنين (عليه السلام) را نمی‌توان یک کتاب رجالی مستقل به حساب آورد چیست؟
18. دشوارترین روش تألیف رجالی کدام است و علت آن چیست؟